

## لزوم عقلانیت در میان مجریان فرمان آتش به اختیار

# آتش به‌اختیار چرا و چگونه؟



در عرصه سیاسی کار آتش به اختیار برای دانشجویان چون به دور از قدرت، سیاست و ثروت است، صرفاً مطالبه‌گری است، بنابراین مقام معظم رهبری به دانشجویان می‌گوید کار سیاسی شما حد و مرز ندارد الا اینکه نباید وارد دسته‌بندی‌های سیاسی شوید و جای دیگری می‌فرمایند خدا لعنت کند دست‌هایی که نمی‌گذارند دانشجویان ما سیاسی شوند



برداشتیم این است کسانی دچار اضطراب شدند و واکنش نامناسب نشان دادند و سعی بر تحریف این مطالبه رهبری کردند که دل در گرو این انقلاب ندارند یعنی نه از این مطالبه و فرمان بلکه هر آن چیزی که بخواهد به حفظ نشاط انقلاب کمک کند زیرا یکی از دستاوردهای مطالبات رهبری این است که سبب می‌شود انقلاب نشاط خود را حفظ کند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ۱۷ خرداد خود با جمعی از دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی، جملاتی خطاب به آنها و نیز تمامی هسته‌های فکری و فرهنگی در کشور ایراد کردند. ایشان در آن سخنرانی فرمودند: «من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار، البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ها قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید- آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد نمی‌تواند دست‌مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیار بد؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس می‌کند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل

است؛ فرض کنید مسئله سینما، یک مسئله مهم است، یعنی مسئله فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره می‌شود، از کجا پشتیبانی می‌شود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا می‌کنند برای فیلم‌ها - اداره هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله این جوری می‌شود پیدا کرد، اما ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مسئله اصلی؛ نامه‌نگاری می‌کنند، پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله اصلی را از مسئله فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله اصلی اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم.» این «فرمان آتش به اختیار» در روزهای بعد با تعابیر مختلفی از سوی برخی جریان‌ها و افراد مورد تفسیر قرار گرفت و هر کس از نگاه خود در موافقت و مخالفت با آن سخن گفت. برای بررسی بیشتر این مفهوم و تحلیل سخنان رهبری و نیز شناخت مخاطب و نحوه اجرای این فرمان، در میزگردی با حضور آقایان مهدی فضائلی کارشناس مسائل سیاسی و عبدالله گنجی مدیر مسئول روزنامه «جوان» به‌گفت‌و‌گو نشستیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:

محدوده بسیار جدی این بحث را مدیریت و کمک می‌کند این فرمان «آتش به اختیار» از راه خود منحرف نشود و به مسیر براه نرود. نکته اول بحث «قانون» است یعنی رعایت قانون و چارچوب‌های قانونی امری است که رهبری همواره بر آن تأکید داشته و دارند؛ نکته دوم بحث «اخلاق» است که این هم جزو نکاتی است که در دیدارهای مختلف به نیروهای حزب‌اللهی همواره بر آن سفارش و تأکید داشته‌اند. نکته سوم تفکیک بین دوست و دشمن است، رهبری در دیدار اخیر با دانشجویان بر این تفکیک تصریح دارند که شما وقتی در درون نظام هستید برخورد طبیعی‌انه‌ای را دارید و طبیعتاً ممکن است به مریض خود تشر هم بزنند و در مقابل با دشمن و کسانی که مقابل انقلاب هستند بحث برخورد تهاجمی را با صراحت توصیه می‌کنند. نکته دیگر بحث تفکیک رفتار نرم و سخت است یعنی آنچه در این فرمان باید به آن توجه شود این است که اقدامات سخت (احتیاج به تبیین دارد) جزو توصیه رهبری در این بخش نیست. یعنی بحث موضع‌گیری و اعلام نظر مطرح می‌شود. البته در جایی بحث اقدام مطرح می‌شود ولی آن اقدام باید به‌نظم تشریح شود که منظور چه نوع اقدامی است. اینها مطالبی است که کمک می‌کند ما با توجه به صادرکننده این فرمان فهم درستی از مطلب داشته باشیم.

فرمان جلوی سوءاستفاده را می‌گیرد. این دستگاه قرار نبوده است یک سخنرانی را بر هم زند یا در جایی درگیری فیزیکی درست کند، دستگاه‌های ما چنین شای‌ ندارند. دستگاه‌های ما باید راه را برای بخش توسعه فرهنگی و پیشرفت انقلاب اسلامی و تسهیل فضا برای نیروهای انقلاب هموار کنند و وقتی مسئولیت خود را انجام نمی‌دهند نمی‌شود کار را سکوت گذاشت. اما می‌پذیریم که دستگاه قرار نیست کار مخربی کند که فرمان «آتش به اختیار» جایگزین آن کار مخرب دستگاه است. نکته دیگری که بسیار مهم است این است که این فرمان رهبری را نمی‌توانیم منتزع از سیره ۲۸-۲۷ ساله رهبری ایشان و به‌عنوان یک پدیدار مستقل تحلیل کنیم. ایشان سیره‌ای دارند که مبتنی بر آن سیره باید این فرمان را تبیین کنیم. خاستگاه این فرمان را می‌شود در نگاه رهبری تبیین کرد. رهبری در خصوص انقلابی‌گری، حیطه، شرایط و ویژگی‌های آن تفسیر دارند و برای تفسیر معنای آتش به اختیار می‌توانیم از این خاستگاه کمک بگیریم.

رهبری در خصوص اقدامات غیرقانونی در سال‌های متمادی صحبت کردند، در اموری که به ضرر انقلاب است صحبت کردند. در صنف‌بندی‌های خودی و غیر خودی صحبت کردند، نسبت به تقویت جبهه انقلاب و سیاسی شدن نیروهای جوان دانشجوی صحبت کردند؛ بنابراین کسانی که بدون غرض و مرض بخواهند این موضوع را تفسیر کنند باید از سخنان گذشته رهبری کمک بگیرند. اصلاح‌طلبانی مانند آقای عبیدی هم بر این موضوع تأکید می‌کنند که «رهبری توصیه به کارهای غیرقانونی

چنین فرمانی چه بوده است؟ گنجی: این سؤال مهمی است و نکته‌ای که می‌تواند حیطه مأموریت مجریان این فرمان را مشخص کند رجوع به دستگاه‌هایی است که وظیفه‌هایی داشتند و در واقع منشأ صدور این فرمان به کارکرد آنها بازمی‌گردد؛ بنابراین تمرکز بر آن دستگاه‌ها و وظایفی که دارند هم حیطه کار را بسیار خوب مشخص می‌کند، هم برداشت‌های انحرافی را اصلاح می‌کند و هم جهت را معلوم می‌کند.

اختلالی که در دستگاه‌های فرهنگی ما وجود دارد این است که این دستگاه‌ها یا مانع حرکت نیروهای مؤمن و انقلابی هستند که رهبری هم چندین بار بر تقویت جناح و جریان دانشجویی مؤمن یا حداقل کمک نکردن حاکمیت به دیگرانی که در مسیر انقلاب اسلامی نیستند، تأکید کردند. اینها مواردی است که به آن توجه نشده است و وقتی توجه نمی‌شود و این تقویت صورت نمی‌گیرد فرمان «آتش به اختیار» صادر می‌شود که خود افراد این کار را انجام دهند مانند بسیاری از تشکل‌ها یا بسیج‌های دهه ۶۰ که با هزینه خود سیستم خود را اداره می‌کردند. گاهی اوقات سیستم‌هایی که مسئولیت دارند مانع و سد ایجاد نمی‌کنند اما کاری می‌کنند که به هیچ‌عنوان در مسیر انقلاب اسلامی نیست یعنی نوعی سوگیری دارند یا نهادهایی را تقویت می‌کنند که نقطه مقابل انقلاب اسلامی است و متأسفانه ما در درون حاکمیت چنین فضایی را داریم. ممکن است آن سوگیری‌ها یکی دیگر از دلایلی باشد که رهبری از کارآمدی آن سیستم‌ها در مسیر تقویت ارزش‌های انقلاب ناامید شدند یا ممکن است با همین صحبت رهبری و با همین قانون اساسی تفسیر انحرافی را سامان دهند و مسیری را طی کنند که او‌راده برای انقلاب اسلامی ندارد.

بنابراین وقتی شما می‌گویید اختلال در دستگاهی صورت می‌گیرد و این منجر به صدور فرمان آتش به اختیار می‌شود طبیعتاً حصری که ایجاد می‌کند این است که این

برخی افراد برداشت‌های سوء و ناپنجایی داشته باشند؛ اساساً مخاطب اصلی این فرمان رهبری چه کسانی هستند و چه قشری می‌توانند آن را عملی کنند؟ فضائلی: بحث سوءاستفاده از یک موضوع به چند امر برمی‌گردد. از فرامین و دستورات خداوند متعال نیز سوءاستفاده می‌شود؛ به‌عنوان مثال جریان‌های تکفیری جنایت‌های خود را منتسب به قوانین اسلامی می‌کنند، جریان نفاق نیز در دهه ۶۰ حرکت‌های جنایتکارانه خود را بر دستورات اسلامی توجیه می‌کردند. بنابراین اگر کسی خودش دچار بدفهمی و کج‌فهمی است و بکسری واقعیت‌ها و حقیقت‌هایی را که روشن‌کننده جهات اصلی است نمی‌خواهد ببیند یا نمی‌خواهد بفهمد تفسیر خود آن شخص و گروه است. اگر دقت صورت گیرد و به‌صورت صحیح این فرمان، بستر صدور این فرمان و مخاطب آن توجه شود دچار بدفهمی و کج‌فهمی نمی‌شویم.

اگر رصد و تجزیه و تحلیلی بر کسانی که این سوء برداشت‌ها را داشته‌اند، داشته باشیم متوجه خواهیم شد که اگر نگوییم تمامشان، اکثر قریب به اتفاقان کسانی هستند که با اغراض خاصی با این مسئله مواجه شدند و افرادی که به‌صورت طبیعی و در چارچوب صحیح با این موضوع مواجه شدند این برداشت‌های سوء را نکردند.

من پافلاصله پس از طرح این موضوع با کسانی که در جلسه حضور داشتند گفت‌و‌گو داشتم و صریحاً واکنش نشان دادند و گفتند هیچ کدام از ما چنین برداشت‌هایی را که دارد انجام می‌شود نکرديم؛ بنابراین معلوم می‌شود که مخاطب واقعی چون با رهبری ارتباط نزدیک‌تری دارد دچار سوء برداشت نمی‌شود و اگر احیاناً به دلایلی در آینده



نمی‌کنند.»

آورده دیگری که این فرمان ممکن است داشته باشد این است که دستگاه‌هایی که اختلال دارند به خاطر اینکه مشروط‌عیشان از دست نرود و از آنها عبور نشود دست به اصلاح بزنند که از این موضوع نیز باید استقبال کرد. اما اینکه کسی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی نباشد اما خود را مخاطب این حرف بداند مطالبه مضحکی است؛ کسی که چیزی را قبول نداشته باشد اما در این موضع گوید ما هم می‌خواهیم آتش به اختیار باشیم. این فرمان طبیعتاً برای کسانی است که ضوابط جمهوری اسلامی را می‌پذیرند و دیدگاه‌های رهبری برای آنان حجت شرعی است.

آقای فضائلی به بحث بستر اجتماعی و کانتکستی که این فرمان برای آن صادر شده است اشاره کردید؛ وقتی یک مفهوم از یک تریبون عمومی گفته می‌شود ممکن است

شاهد چنین سوء برداشت‌هایی باشیم قابل تصحیح است و باید مراقبت صورت بگیرد. اما اینکه چه کسانی مخاطب هستند، خود رهبری در این دیدار تصریح می‌کنند که دانشجویان انقلابی متدین باورمند نسبت به مبارزه جدی مخاطب این موضوع هستند. در جای دیگر دایره مخاطبان را از دانشجویان توسعه می‌دهند و می‌گویند همه نیروهای انقلابی و جهادی و فرهنگی.

بنابراین می‌توانیم بگوییم مخاطبان اصلی فرمان رهبری چه تپ آدم‌هایی هستند. به نظر من دستگاه‌های نظام مخاطب این فرمان رهبری نیستند؛ قوه قضاییه مخاطب رهبری نیست، آتش به اختیار در مورد قوه قضاییه معنا ندارد، قوه قضاییه یک دستگاه حاکمیتی است که طبق قانون وظایف مشخص و اختیارات گسترده‌ای دارد که باید انجام دهد. همین‌طور باقی دستگاه‌ها. نکته مهم دیگری که جا دارد یادآوری شود این است که فرمان رهبری از حیثی دیگر، فرمان تازه‌ای نیست. اگر چه تعبیر، تعبیر جدیدی است و تعبیری است که ترغیب‌کنندگی بیشتری دارد ولی همین‌طور است و همین انتظار و همین به نوعی مسئولیت را که رهبری در این دیدار برعهده مخاطبین گذاشته‌اند در طول چند سال گذشته نیز مشاهده می‌کنید. مفهوم افسران جنگ نرم و فرماندهان جنگ نرم یعنی دانشجویان و اساتید دانشگاه در تعابیر رهبری بارها مطرح شده‌اند که معنای همین فرمان را دارد.

لذا از یک منظر می‌توانیم بگوییم که این بحث، بحث جدیدی به لحاظ توقع و انتظار نیست. منتها شرایطی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، اشاراتی که خود رهبری داشته‌اند و توقع از افسران جنگ نرم که در این دیدار به آن اشاره می‌کنند، حاکی از شرایط جدید و جدی است.

حضرت آقا در این دیدار به اختلال به وجود آمده در دستگاه‌ها و اینکه اولویت‌ها را تشخیص نمی‌دهند و نسبت به وظایف خود با فهم درستی ندارند یا به هر دلیلی مسئولیت‌های خود را انجام نمی‌دهند؛ اشاره می‌کنند. لذا توقعی که از این طیف از نیروها چه در دانشگاه و دانشجویان به‌عنوان افسران جنگ نرم و چه خارج از دانشگاه می‌رود این است که مطالبه‌گری بیشتری صورت گیرد.

تعبیری هم که رهبری به کار بردند تعبیر جدیدی است و به نظر من می‌تواند برای این نیروها ترغیب‌کنندگی بیشتری داشته باشد لذا مخاطبان رهبری مشخصند، نیروهای باورمند به انقلاب و همانطور که آقای گنجی هم اشاره کردند این فرمان نمی‌تواند مورد سوءاستفاده افراد دیگر قرار گیرد.

در چند روز گذشته و در اظهار نظرها دیده شد که فردی از نمایندگان مجلس گفته بود که این فرمان دوطرفه است. (اشاره به گفت‌و‌گوی علی مطهری با خانه ملت و اینکه گفته بود اگر آزادی بیان مخدوش شد و به منتقدان حکومت اجازه اظهار نظر داده نشد یا افرادی را بدون حکم قضایی و برخلاف قانون اساسی حصر خانگی کردند دانشجویان و سایر اقشار مردم آتش به اختیارند.)

چارچوب منظومه فکری فرماندهان آنان مشخص است و مسیرش کاملاً از مسیر انقلاب جدا است. اگر این مفاهیم قرار است در چارچوب انقلاب باشد یعنی در مسیر آزادی خواهی و حق طلبی و عدالت‌جویی که همان مخاطبان رهبری هستند و جدای از آن نیست. اگر خارج از این چارچوب است یک مسیر دیگری است که می‌خواهد طی شود و کسانی علاقه‌مند هستند که در جایگاه فرماندهی و آتش به اختیار کردن نیروهایی در مقابل نظام قرار بگیرند؛ اختیار با آنان است و طبیعتاً باید مسئولیت آن را نیز بپذیرد.